

صنایع دستی روایت زنده از فرهنگ ناملموس

مثل غذا، لباس، موسیقی، موتیف‌ها و نقش‌مایه‌ها که سلیقه اجتماعی را می‌سازد، یکی از عناصر پیونددهنده هستند.

در کشوری مثل ایران که اقوام و گروه‌های مختلفی با دستمایه‌های مختلف زندگی و هر کدام از این مولفه‌ها می‌توانند در عین حفظ تمایز، انسجام ایجاد کنند؛ این معجزه فرهنگ هست که در عین به رسمیت شناختن تمایزها و تفاوت‌ها می‌تواند یکپارچگی و هویت را با خود به ارمغان بیاورد.

در هر گوشه‌ای از ایران و تاریخ و جغرافیای این مرز و بوم، مولفه‌های هویتی کشور ما را مثل یک شبکه درهم بافته (همچون فرش‌هایی که تار و پودش نگهدارنده گره‌های منفرد) به هم متصل و این مشخصه‌های فرهنگی امکان حفظ انسجام ملی را نیز دارد.

در واقع جهانی‌سازی به معنای یکسان‌سازی نیست؛ جهانی‌سازی یعنی معرفی تفاوت‌ها برای داشتن صدایی متناسب با صدای جهان است.

اینکه بتوان در شاخص‌های جهانی عملکرد داشته باشیم؛ نمی‌توانیم در حوزه فرهنگ مثل شمشادهای یکسان باشیم، اما همین تنوع مثل یک جنگل زیبا که هر کدام از درخت‌ها از بوته‌ها گرفته تا

فرهنگی را فقط فرسوده می‌کند؛ فرهنگ یک عنصر زنده است، باید بتوانیم به جریان‌سازی فرهنگی و اتصال آن به روزهای جدید و مولفه‌های تازه کمک کنیم.

صنایع دستی، گردشگری و میراث فرهنگی سه رکن اساسی درخت تناور فرهنگ هستند؛ میراث فرهنگی ریشه است که آب‌شخور موادی هست که باید از طریق آوندها، گردش و شبکه‌ای که گردشگری فراهم می‌کند، به صنایع دستی برسد.

نقش‌ها، قصه‌ها و روایت‌ها باید به محصولات تبدیل شود؛ همه برای حفاظت از سه رکن مذکور وظیفه داریم.

اصولاً میراث فرهنگی و صنایع دستی ساحت‌های مختلفی دارد؛ ساحت اجتماعی آن برای پیوند نسلی و ارتقای سطح غیرت اجتماعی استفاده می‌شود. وقتی استادی به شاگردش نقشی را آموزش می‌دهد، نه تنها یک نقش منتقل شده بلکه کل میراث قصه‌ای و تاریخ منتقل می‌شود؛ با این اقدام دستاوردهای تاریخی منتقل و عاطفه، عشق و انسجام تولید می‌شود.

این اقدام همچنین علاوه بر ایجاد پیوند نسلی، در بروز اعتماد به نفس عمومی نیز مؤثر است؛ عناصر هویتی



مریم جلالی

معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی

استفاده از ظرفیت صنایع دستی برای پاسداشت میراث ناملموس با کمک و هم‌افزایی بین‌بخشی امکان‌پذیر است؛ میراث فرهنگی امروز صنایع دستی دیروز بوده و باید برای آیندگان برنامه‌ریزی کرد. وقتی که از میراث فرهنگی حرف به میان می‌آید، در واقع از ریشه‌ها صحبت می‌کنیم؛ این ریشه‌ها محصولات، آداب و رسوم، صنایع دستی و سازه‌هایی باشد که از تاریخ مانده و هر کدام در دل خود روایتی دارد.

صحبت از میراث ملموس و ناملموس یعنی صحبت درباره یک گنجینه فرهنگی که باید مثل سرمایه در گردش در رگ‌های فرهنگی اجتماع به چرخش دربیاید؛ نباید آن را فقط در پستوها نگهداری و حفاظت کنیم، بلکه باید اجازه اشاعه و حفظش را به آن بدهیم.

امروزه آن چیزی که در دنیا برای مراقبت مطرح شده بهره‌برداری و مراقبت به معنای به جریان انداختن، بروز کردن و معاصرسازی است؛ وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در راستای حفظ و صیانت از این ریشه‌های ملموس مثل ساختمان‌ها، صنایع دستی قدیم، اشیاء و محصولات که از دل تاریخ به جامانده و یا میراث ناملموس مختلف مثل قصه‌ها، آداب و رسوم، زبان، شعرها، مناسک و لباس‌ها موظف به حفظ و نگهداری است.

حفظ و نگهداری ایستا این میراث

